

اقتصاد بخش عمومی

(جلد اول)

سرشناسه	: لیچ، جان، ۱۹۵۲-م. 5- April 1952, Leach, John
عنوان و نام پدیدآور	: اقتصاد بخش عمومی (جلد اول)/ جان لیچ؛ ترجمه مرجان دامن کشیده، حسین اقبال طالقانی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۲ ص.: جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۴۶-۸۵-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: A course in public economics.
یادداشت	: واژه نامه -- کتابنامه.
موضوع	: اقتصاد -- Economics
موضوع	: اقتصاد -- الگوهای ریاضی -- Economics -- Mathematical models
موضوع	: اقتصاد -- مسائل، تمرین ها و غیره (عالی) -- Economics -- Problems, exersices, etc. (Higher)
موضوع	: سیاست اقتصادی -- Economic policy
موضوع	: کالاهای عمومی -- Public goods
شناسه افزوده	: دامن کشیده، مرجان، مترجم
شناسه افزوده	: اقبال طالقانی، حسین، مترجم
رده بندی کنگره	: HB ۱۷۱/۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۴۶۹۲۰

اقتصاد بخش عمومی

(جلد اول)

جان لیچ

ترجمه:

دکتر مرجان دامن کشیده

(عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی)

و

حسین اقبال طالقانی





- عنوان کتاب: اقتصاد بخش عمومی (جلد اول)
Title: A Course In Public Economics
- تألیف: جان لیچ
Author: John Leach
- ترجمه: دکتر مرجان دامن کشیده (عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی) و حسین اقبال طالقانی
Translators: Dr M. Damankeshide & Eghbal
- شابک: ۷۴۴۶ - ۸۵ - ۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
ISBN: 978-600-7446-85-0
- نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۰۰
The 1th Edition Published: 2021
- تیراژ: ۳۰۰ نسخه
Circulation 300 impression
- هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلیم، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد
No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh Press)
- محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده‌ها توسط ناشر می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد
The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press)
- © تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است
© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh Press
- دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۶۶۹۵۱۳۲۳-۰۲۱ و ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱
نماینده‌ی فروش در تهران: انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۰۲۱
(روبروی دانشگاه تهران، بین خ دانشگاه و خ فخر رازی، پلاک ۱۲۱۲)
- برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:
www.nashreamareh.ir
قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجمین

در طول سال‌های تدریس اقتصاد بخش عمومی در رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها اغلب شاهد نیاز دانشجویان به دسترسی به منابع جدید و قابل اعتماد که سرفصل‌های مصوب دانشگاهی را پوشش دهد، بوده‌ایم. همچنین دریافتیم که تدوین جزوات درسی نیز به تنهایی پاسخگوی این نیاز نخواهد بود. از این رو جهت دسترسی دانشجویان به منبعی به‌روز و قابل استفاده، اقدام به ترجمه کتاب "A Course in public Economics" نوشته پروفسور John Leach استاد دانشگاه مک‌مستر کانادا، نمودیم. این کتاب یکی از کتاب‌های جامع در زمینه اقتصاد بخش عمومی بوده که دارای فصل‌بندی مناسب، پیوستگی مطالب، ارتباط درست و بیان روشن و قابل درک مباحث اقتصاد بخش عمومی است. نکته قابل تأمل دیگر، استفاده مناسب از مثال‌های مرتبط به همراه معادلات ریاضی و نمودارهای بسیار متناسب با سرفصل‌های ارائه شده در این کتاب است که مشوق خوبی برای انتخاب مترجمان بوده است.

کتاب حاضر ترجمه سیزده فصل از متن انگلیسی بوده که به عنوان جلد اول در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است در ترجمه این کتاب، ضمن رعایت اصل امانت، مترجمان تلاش کرده‌اند در حد امکان از کلمات و عبارت‌های سلیس و روان استفاده کرده و اصطلاحات فنی کتاب را به دقت با کلمات فارسی که همان مفهوم مورد نظر نویسنده را پوشش می‌دهد؛ جایگزین نمایند. همچنین جهت فهم بهتر مطالب، مترجمان مفهوم برخی عبارات و اصطلاحات پیچیده و دشوار در متن کتاب را در پاورقی‌ها توضیح داده‌اند.

بدیهی است هرچند تلاش فراوانی شده تا این ترجمه خالی از اشکال باشد، ولی بطور قطع در این ترجمه کاستی‌هایی وجود دارد که از تمامی همکاران و دانشجویان گرامی استعفا داریم در صورت مشاهده هرگونه اشکالی، موارد را به مترجمین اطلاع دهند تا در چاپ‌های بعدی مورد تجدید نظر قرار گیرد. در پایان از زحمات و تلاش‌های بی‌دریغ مدیر محترم نشرآماره جناب آقای فرهاد نوع‌پرست که در تمام مراحل انتشار این کتاب به یاری ما شتافتند سپاسگزاری می‌کنیم.

پیشگفتار مؤلف

این موضوع را به سبکی فاخر، خسته‌کننده و ملال‌آور، با استفاده زیاد از افعال مجهول خواهی گفت، مگر نه؟ ممکن است اجازه داده باشیم که چیزی نزدیک به اشتیاق به آهستگی طرح شود.

دکتر مارتین، در آدمیرال زرد اثر پاتریک اُبریان^۱

آیا بازارها کارا هستند و اگر کارا نباشند، چه باید کرد؟ از زمانی که آدام اسمیت در ثروت ملل (۱۷۷۶) مطرح کرد که مشارکت هر فرد بر اساس نفع شخصی در نظام بازار غالباً مطلوبیت بیشتری برای جامعه به وجود می‌آورد پرسش فوق‌محدودکننده اصلی اقتصاد خرد بوده است. ارائه پاسخ جامعی برای این سؤال وظیفه‌ی راحتی نبوده است. تا زمانی که والراس رنوس کلی اولین مدل تعادل عمومی را در اوایل دهه‌ی ۱۸۷۰ طرح نکرده بود نحوه‌ی کار بازار به روشنی بیان نشده بود و تا زمانی که پارتو کتاب اصلی‌اش را در سال ۱۹۰۹ منتشر نساخته بود این مفهوم که پیامدهای بازار منافع جامعه را رشد می‌دهد تعریف نشده بود.

اصولی که والراس و پارتو مدون ساختند اساس برنامه‌ی پژوهشی را شکل داد که تا نیمه‌ی دوم قرن بیستم تداوم یافت که مدل تعادل عمومی آرو-دبرو نقطه‌ی اوج آن بود. این مدل به دقت شرایطی را توصیف می‌کند که بازارهای آزاد پیامدهای مطلوب اجتماعی پدید می‌آورند. این شرایط که بسیار محدودکننده هستند اشتیگلتر را [۶۳]^۲، ص ۶۹ وادار کردند که بگوید به یک معنی دستاورد بزرگ دبرو و آرو یافتن مجموعه‌ی تقریباً مجزایی از فروض بودند که طبق آن فرض می‌شد به دست نامرئی آدام اسمیت دست یافت.

۱. انتشارات Harper Collind, 1997

۲. اعداد داخل کروشه در کل متن از نویسنده بوده و مربوط به منابع انتهای کتاب می‌باشد (مترجمین).

آدام اسمیت از این یافته‌ها متعجب نمی‌شود. او را غالباً در مقام طرفدار خستگی‌ناپذیر بازارهای آزاد و مخالف دخالت دولتی تصویر کرده‌اند، اما این تصویر دقیق نیست. مطمئناً او با برخی از اشکال دخالت دولت مخالف بود: بخش زیادی از ثروت ملل نقد نظام مرکانتیلیستی است که تحت آن دولت با تباری با بازرگانان انحصارات تجاری قدرتمندی را توسعه داد. ولی آدام اسمیت معتقد نبود که دولت هیچ‌گاه نباید دخالت کند. در حقیقت او استدلال می‌کند که دولت سه وظیفه اصلی دارد که عبارتند از وظیفه ایجاد و حمایت کارهای عمومی معین و نهادهای عمومی معین، که هرگز نمی‌تواند به خاطر منافع هیچ فردی یا شمار اندکی از افراد باشد، ایجاد و حمایت، برای اینکه سود نه می‌تواند هزینه‌های هر فرد یا شمار اندکی از افراد را بازپرداخت کند، گرچه ممکن است کاری بیش از بازپرداخت برای یک جامعه بزرگ انجام دهد.^۱

جان استوارت میل، که تقریباً یک قرن بعد نوشت، تردید مشابهی را نسبت به بازارهای آزاد نشان می‌داد. او استدلال می‌کرد که «اقتصاد آزاد... باید یک روش عمومی باشد، هر انحرافی از آن، مگر آن‌که خیر بزرگ‌تری آن را الزامی سازد، یک شر حتمی است» ولی در تشخیص دخالت قابل توجه از جمله مقررات تحصیل اندکی دچار مشکل بود.^۲

بیش از یک قرن پس از میل، نگرش اقتصاددانان جریان فکری غالب، اندکی تغییر یافته است. آن‌ها مخالف قدرت انحصاری هستند. آن‌ها «کارهای عمومی» اسمیت را کالاهای عمومی، یا کالاهایی با پیامدهای بیرونی قوی می‌دانند و با درخواست او برای اقدام دولت موافق هستند. آن‌ها حتی در استدلال میل برای تنظیم آموزش - اینکه مصرف‌کننده قادر به قضاوت ماهیت کالا نیست - نشانه‌ای از اقتصاد اطلاعات مدرن می‌یابند. آن‌ها با آن که از نواقص نظام بازار آگاه هستند، از آن حمایت می‌کنند.

این موضوع که آیا بازارها کار می‌کنند و اگر کار نکنند چه باید کرد هسته اصلی اقتصاد بخش عمومی را شکل می‌دهد. در حالی که هدف از نگارش این کتاب یک کتاب درسی است که فقط این موضوع اصلی را بررسی می‌کند. تعدادی از موضوعات را که به طور طبیعی در کتاب‌های درسی اقتصاد بخش عمومی نظیر شاخص مالیات و تحلیل هزینه-فایده وجود دارد کنار می‌گذارد.

علاوه بر این هدف این کتاب پیوند بین دو شیوه تحلیل اقتصادی است. دانشجویان دوره کارشناسی مایل‌اند به نمودارها و استدلال‌ات کلامی ساده تکیه کنند. در مقابل دانشجویان کارشناسی ارشد شدیداً به تحلیل ریاضی و منطقی تعمیق‌یافته تکیه می‌کنند. این نوع تحلیل به طور معمول به وسیله اقتصاددانان دانشگاهی و به میزانی کمتر، به وسیله اقتصاددانان بخش عمومی و خصوصی استفاده می‌شود. اولین نوع تحلیل در آغاز کتاب به کار گرفته شده است ولی پس از آن بیشتر به ریاضیات تکیه می‌شود.

۱. به نقل از فصل ۹ کتاب چهارم ثروت ملل. سایر وظایف عبارت است از حمایت از ارتش و قوه قضاییه

۲. به نقل از فصل ۱۱ کتاب پنجم اصول اقتصاد سیاسی. تحت شرایط اقتصاد آزاد (بیابیدانجام دهیم) دولت نمی‌کوشد تصمیمات فردی، مخصوصاً تصمیمات اقتصادی را محدود سازد

با این حال اجازه بدهید تأکید کنیم که این کتابی نیست که در آن ابزارهای پیچیده‌ی ریاضی آموزش داده شود یا به کار رود. فرض را بر این گذاشته‌ام که شما می‌توانید این محاسبات را که هرکسی که یک واحد درس جبر گذرانده باشد باید بتواند انجام دهد. مخصوصاً تصور می‌کنم بتوانید:

- مشتقات توابع یک یا چند متغیره را انجام دهید و معنای این مشتقات را درک کنید
- یک معادله را برای بررسی یک متغیر منفرد دستکاری کنید
- دستگاه ساده معادلات را با جانشینی مکرر حل کنید

معتقدم که با فرموله کردن موضوعات در قالب مسائل ریاضی و به کار گرفتن مهارت‌هایی که قبلاً برای حل آن‌ها آموخته‌اید می‌توانید مطالب زیادی درباره علم اقتصاد بیاموزید.

دانستن اینکه چگونه اتومبیلی را برانید با راندن واقعی آن فرق دارد. هیچ جانشینی برای زمانی که پشت فرمان قرار دارید وجود ندارد. همین مطلب درباره حل مسئله نیز صحیح است. شما ممکن است بدانید چگونه یک مشتق را حل می‌کنند، اما وقتی مشتقی را محاسبه می‌کنید یا وقتی آن را حل کرده‌اید چه باید بکنید. امیدوارم که این کتاب «زمانی را که پشت فرمان قرار دارید» برایتان ارائه کند، فصول این کتاب واقعاً مثال‌هایی از نحوه‌ای را که می‌توان از ریاضیات برای حل مسائل اقتصاد استفاده کرد گسترش داده است. علاوه بر این مسائلی نیز در پایان هر فصل وجود دارد. بنابراین تلاش خواهید کرد مسائلی را که شبیه مسائل شرح داده شده در خود آن فصول است حل کنید.

شما از ریاضیات کمتر از طولانی بودن استدلال‌ات که در این کتاب مطرح شده است ناراحت می‌شوید. در اکثر متون درسی کارشناسی یک توضیح یک صفحه‌ای توضیح طولانی است. در اینجا مدل‌های ریاضی اقتصاد، در چندین صفحه شرح و بسط داده شده‌اند و حل‌هایشان طی چند صفحه آمده است. خواندن این مطالب تمرکز زیادی را می‌طلبد. وقتی اولین سال کارشناسی را می‌گذراندم مشکل من فقدان تمرکز بود. من شروع به خواندن مقالات نشریات آکادمیک کردم. عاقبت استراتژی را که شرح می‌دهم پذیرفتم و هنوز هم از آن استفاده می‌کنم:

(۱) وقتی اولین بار کتابی را می‌خواندم نسبتاً آن را سریع می‌خواندم. سعی می‌کنم موضوعی را که طرح می‌کند و نحوه طرح موضوع از جانب نویسنده را درک کنم. اگر به استدلال کلامی یا کمی ریاضیات برخورد کردم که قادر به درک‌شان نیستم، از آن‌ها رد می‌شوم.

(۲) خواندن دوباره مقاله را، آهسته‌تر شروع می‌کنم. دقت می‌کنم که متوجه موضوع شده باشم و سعی می‌کنم درک دقیق‌تری از استدلال نویسنده به دست آورم. سعی می‌کنم کلیه جزئیات ریاضی را حل کنم، ولی اگر واقعاً سخت باشند از آن‌ها رد می‌شوم.

(۳) اگر احساس کنم باید مقاله را کاملاً درک کنم برای بار سوم آن را می‌خوانم. این بار درک بهتری از آن خواهم داشت، بنابراین می‌توانم آن را کاملاً سریع بخوانم، فقط مطالب مبهمی را که در تمام مدت درک نکرده‌ام آرام می‌خوانم. (پی بردم که خواندن فقط بخش‌هایی که قبلاً درک نکرده‌ام عموماً روش مفیدی نیست. مسئله این است که جزئیات مبهم هستند برای اینکه موضوعی را قبلاً در مقاله به طور کامل درک نکرده‌ام. بخشی از معما را از دست می‌دهم. خواندن کل مقاله به من این فرصت را می‌دهد که قسمت از دست داده را پیدا کنم).

مزیت روش رد شدن همیشه بهتر از نخواندن است. اگر خودتان وسوسه شده‌اید هریک از این فصل‌ها را نخوانید می‌توانید از این روش استفاده کنید.

این کتاب به قیمت سایر مطالب بر حل مسئله تأکید می‌کند. مخصوصاً

- این کتاب جامع نیست. تقریباً در خصوص هر موضوعی که در این کتاب طرح شده است آثار بسیار زیادی وجود دارد و من تا حد زیادی این موضوع را نادیده گرفته‌ام. در عوض، کوشیده‌ام مدل‌های ساده و منسجمی ارائه دهم که می‌توان از آن‌ها بینش‌های اساسی از آثار به دست آورد.

- این کتاب عمومی نیست. از مدل‌های ساده استفاده می‌کنم و تقریباً همیشه از اشکال تابعی خاص برای چنین اموری استفاده می‌کنم مثل توابع مطلوبیت و توابع تولید. به طور کلی اقتصاددانان مدل‌های عمومی را بر هر مدل خاص ترجیح می‌دهند،^۱ ولی مدل‌های کلی پیچیدگی ریاضی بیشتری را الزامی می‌سازند. بینش‌های عمومی تر کلید مدل‌هایی که در اینجا ارائه شده است را می‌توان در آثار دیگر اقتصاد یافت و در بسیاری از موارد، کاربردهای اصلی‌شان تفاوت معناداری با سایر مدل‌هایی که اینجا ارائه شده است ندارد. امیدوارم که از نثر فاخر اجتناب کرده باشم و شواهدی از شور و شوق من برای این موضوع آشکار باشد.

مایلم از ریچارد آرنت، نیل بروس و دان اوش بابت تشویق‌شان در اولین مراحل این برنامه و همکارم جان بوربیج و اس راب بابت مطالعه دقیق بخش‌های زیادی از دست‌نوشته تشکر کنم. تصور می‌کنم از بعضی جهات کتاب بهتری از آنچه که می‌توانستم بنویسم نوشته‌ام، بخش زیادی از این پایان خوش به خوانندگانی تعلق دارد که انتشارات کمبریج برگزیده است، (در ترجمه از آوردن این اسامی صرف‌نظر شد، مترجمان). مایلم بابت کلیه پیشنهادها از آن‌ها تشکر کنم و در پایان مایلم از اسکات پاریش از انتشارات دانشگاه کمبریج بابت نظارت بر این پروژه تشکر نمایم.

۱. نتیجه‌ای که در خصوص یک نوع تابع مطلوبیت اثبات شده است ممکن است در خصوص انواع دیگر توابع مطلوبیت صدق نکند. اقتصاد دانان به نتایجی که عمومی هستند (یعنی در مورد شمار زیادی از موضوعات ممکن کاربرد دارند) علاقه دارند بنابراین آن‌ها ترجیح می‌دهند به جای استفاده از توابع خای از توابع عمومی تر در تحلیل هایشان استفاده کنند.

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه.....	۱۷
۱-۱ دو قضیه.....	۱۹
۱-۲ شکست بازار.....	۲۱
۱-۲-۱ کالاهای عمومی.....	۲۲
۲-۲-۱ پیامدهای خارجی.....	۲۳
۱-۲-۳ رقابت ناقص.....	۲۶
۱-۲-۴ اطلاعات نامتقارن.....	۲۸
۱-۳ اطلاعات و فرضیه ثانوی.....	۲۹
۱-۴ مفید بودن دو قضیه.....	۳۰
۱-۵ نقش دولت.....	۳۱

بازارها..... ۳۵

فصل دوم: اقتصادهای مبادله.....	۳۷
۲-۱ جعبه اجورث.....	۳۹
۲-۲ بهینه پارتو.....	۴۴
۲-۲-۱ کاربرد معیار پارتو: یک مثال.....	۴۵
۲-۲-۲ تخصیص‌های بهینه پارتو در اقتصاد مبادله.....	۴۷
۳-۲ تعادل رقابتی.....	۵۰
۲-۴ بازارها.....	۵۴

۶۰	۲-۵ دو قضیه اساسی اقتصاد رفاه
۶۱	۲-۵-۱ اثبات قضیه
۶۲	۲-۵-۲ بحث
۶۴	۲-۶ خلاصه
۶۵	پرسش‌ها

۶۷	فصل سوم: اقتصاد مبادله به روش جبری
۶۸	۳-۱ توابع مطلوبیت
۶۹	۳-۲ نرخ نهایی جانشینی
۷۰	۳-۳ تخصیص‌های بهینه پارتو
۷۳	۳-۴ تعادل رقابتی
۷۶	۳-۴-۱ تقاضای مازاد
۷۸	۳-۴-۲ تعادل
۷۹	۳-۵ دو قضیه
۸۲	۳-۶ نتیجه‌گیری‌ها
۸۲	سؤالات

۸۷	فصل چهارم: اقتصاد تولید
۸۹	۴-۱ بهینه پارتو
۹۰	۴-۱-۱ مبادله کارا
۹۰	۴-۱-۲ کارایی تولید
۹۳	۴-۱-۳ کارایی مناسب
۹۵	۴-۱-۴ یک گزاره رسمی
۹۵	۴-۲ تعادل رقابتی
۹۶	۴-۲-۱ رفتار مصرفی
۹۷	۴-۲-۲ رفتار بنگاه
۱۰۰	۴-۲-۳ تسویه کننده بازار
۱۰۰	۴-۳ مثالی از تعادل رقابتی
۱۰۱	۴-۳-۱ بازار عوامل

۱۰۲.....	۴-۳-۲ بازارهای کالا.....
۱۰۴.....	۴-۳ مثالی از تعادل رقابتی.....
۱۰۵.....	۴-۳-۳ تعادل.....
۱۰۵.....	۴-۴ دو قضیه.....
۱۰۷.....	۴-۵ نتیجه گیری.....
۱۱۱.....	سؤالات.....

۱۱۵.....	فصل پنجم: مازاد تولیدکننده و مصرف کننده.....
۱۱۵.....	۵-۱ نهایی ها و کل ها.....
۱۱۸.....	۵-۲ مازاد.....
۱۲۰.....	۵-۳ هزینه رفاه دخالت.....
۱۲۱.....	۵-۳-۱ قیود کمی.....
۱۲۳.....	۵-۳-۲ مالیات ها.....
۱۲۵.....	۵-۳-۳ یارانه ها.....
۱۲۶.....	۵-۴ فعل و انفعالات بازار.....
۱۲۹.....	۵-۴-۱ مکمل ها.....
۱۳۰.....	۵-۴-۲ جانشین ها.....
۱۳۲.....	۵-۴-۳ شیطان یا فرشته؟.....
۱۳۳.....	۵-۵ نتیجه گیری ها.....
۱۳۵.....	مسائل.....

۱۳۷.....	پیامدهای خارجی.....
۱۴۱.....	فصل ششم: پیامدهای خارجی و مذاکره.....
۱۴۲.....	۶-۱ جبران حاصل از مذاکره.....
۱۴۴.....	۶-۱-۱ بنگاه حق مالکیت دارد.....
۱۴۶.....	۶-۱-۲ همسایگان حق مالکیت دارند.....
۱۴۸.....	۶-۲ چرا مذاکره اتفاق نمی افتد؟.....
۱۴۹.....	۶-۳ دخالت دولت.....
۱۵۳.....	مسائل.....

فصل هفتم: معامله مجاز.....	۱۵۵
۷-۱ آلودگی محیط زیستی و کاهش انتشار.....	۱۵۶
۷-۲ کنترل های مستقیم انتشارات.....	۱۵۷
۷-۳ معامله مجوز.....	۱۵۸
۷-۳-۱ حداقل سازی هزینه.....	۱۵۹
۷-۳-۲ قیمت تعادلی مجوزها.....	۱۶۲
۷-۴ بحث.....	۱۶۴
مسائل.....	۱۶۶

فصل هشتم: منابع تجدید پذیر دارایی های مشترک.....	۱۶۹
۸-۱ مسئله ایستایی دارایی مشترک.....	۱۷۰
۸-۱-۱ یک منطقه ماهیگیری بدون مقررات.....	۱۷۱
۸-۱-۲ ماهیگیری نظارت شده.....	۱۷۲
۸-۱-۳ ماهیت.....	۱۷۳
۸-۲ مسئله پویایی دارایی مشترک.....	۱۷۵
۸-۲-۱ مدل پویای ماهیگیری.....	۱۷۶
۸-۲-۲ پویایی های منطقه ماهیگیری تحت نظام های بدیل مدیریتی.....	۱۸۱
۸-۳ انقراض.....	۱۸۷
۸-۱۰ تحول موجودی انبار و صید تحت نظام های جایگزین.....	۱۹۲
مسائل.....	۱۹۴

فصل نهم: شکست های همکاری.....	۱۹۷
۹-۱ بازی هماهنگی.....	۱۹۹
۹-۲ بازی هماهنگ بدون نااطمینانی.....	۲۰۱
۹-۲-۱ سودهای مورد انتظار.....	۲۰۳
۹-۲-۲ تعادل نش.....	۲۰۴
۹-۲-۳ کارایی تعادل.....	۲۰۵
۹-۳ نتایج.....	۲۰۶
مسائل.....	۲۰۷

کالاهای عمومی..... ۲۰۹

فصل دهم: کالاهای عمومی خالص..... ۲۱۳

- ۱۰-۱ عرضه بهینه یک کالای عمومی..... ۲۱۳
- ۱۰-۱-۱ شرط ساموئلسون..... ۲۱۴
- ۱۰-۱-۲ مثال..... ۲۱۷
- ۱۰-۲ عرضه داوطلبانه کالاهای عمومی..... ۲۲۰
- ۱۰-۲-۱ بازی دو نفره..... ۲۲۲
- ۱۰-۲-۲ بازی n نفره..... ۲۲۳
- ۱۰-۲-۳ آیا مقدار بهینه کالای عرضه شده است..... ۲۲۴
- ۱۰-۳ آیا غیرقابل تفکیک بودن منشأ مشکل است؟..... ۲۲۶
- ۱۰-۴ نتایج..... ۲۲۷
- مسائل..... ۲۲۸

فصل یازدهم: دو نمونه کالای عمومی..... ۲۳۱

- ۱۱-۱ دانش..... ۲۳۱
- ۱۱-۲ توزیع مجدد درآمد..... ۲۳۷
- ۱۱-۲-۱ یک چهارچوب برای مطالعه توزیع‌های درآمد..... ۲۳۸
- ۱۱-۲-۲ توزیع‌های درآمدی بهینه پارتو..... ۲۳۹
- ۱۱-۲-۳ هدایای خیریه‌ای..... ۲۴۱
- ۱۱-۲-۴ اصلاح دولت و توزیع مجدد داوطلبانه..... ۲۴۶
- ۱۱-۲-۵ خیریه به عنوان یک کالای عمومی..... ۲۴۷
- مسائل..... ۲۴۷

فصل دوازدهم: کالای عمومی ناخالص..... ۲۵۱

- ۱۲-۱ کالاهای باشگاهی..... ۲۵۲
- ۱۲-۲ کالاهای عمومی با مصرف گوناگون..... ۲۵۶
- ۱۲-۲-۱ میزان استفاده در تعادل..... ۲۶۰
- ۱۲-۲-۲ میزان بهینه عوارض..... ۲۶۲
- ۱۲-۲-۳ شرط بهینه عوارض هنگامی که عوارض تحمیل نمی‌شود..... ۲۶۴

۲۶۵.....	۱۲-۳ خلاصه
۲۶۵.....	مسائل

۲۶۷.....	فصل سیزدهم: ارتباط بین کالاهای عمومی و پیامدهای خارجی
۲۶۸.....	۱۳-۱ ترجیحات وابسته
۲۷۰.....	۱۳-۲ منحی‌های بی تفاوتی
۲۷۳.....	۱۳-۳ تخصیص‌های بهینه پارتو
۲۷۴.....	۱۳-۳ یک کالای عمومی
۲۷۵.....	۱۳-۴-۱ مشارکت‌های داوطلبانه
۲۷۹.....	۱۳-۴-۲ مذاکره
۲۸۰.....	۱۳-۵ کالایی با پیامدهای خارجی مثبت
۲۸۲.....	۱۳-۶ کالایی با پیامدهای خارجی منفی
۲۸۳.....	۱۳-۷ خلاصه
۲۸۴.....	مسائل

۲۸۷.....	منابع
----------	-------

فصل اول

مقدمه

دخترک با زلفکان جعددار کوچکی بر روی پیشانی

در وقت خوش حالی چه شیرین بود اما

آنگه که ناخوش بود احوالش

تلخ و کریه می شد.

هنری واندزورث لانگ فلو

ظاهراً بازارهای رقابتی نکات مشترک زیادی با دخترک مومجعد دارند. وقتی بازارها خوب کار می کنند به قدری خوب هستند که شرکت در آن ها به بخشی از ناخودآگاه معمول روزانه ما بدل می شود. اگر برای شام کلم بروکلی بخواهیم در خواربارفروشی کلم بروکلی وجود دارد. پایین قفسه فلفل سبز چیده شده است که تابستان در همین جا کشت می شود و زمستان در مکزیک. موز از اکوادور وارد می شود و سیب از کشورهای دوردستی مثل نیوزلند. وجود هریک از این اقلام در قفسه بقالی حاصل زنجیره ای از تصمیم هاست که بقال، عمده فروش، فرستنده و کشاورز اتخاذ می کنند. اقداماتشان به وسیله قیمت هماهنگ می شود و این واقعیت کاربردهای مهمی در نحوه استفاده از اطلاعات تخصصی دارد. کشاورز نیاز ندارد درباره ارسال آن ها یا کسب و کار خواربارفروش یا منجمد کردن چیزی بداند، نیازی هم ندارد دانش تخصصی کشاورزی خود را با کسی در میان

بگذارد. او فقط باید از قیمت‌هایی که با آن انواع و اقسام غلات را می‌توان فروخت و قیمت‌هایی که می‌توان با آن عوامل تولید را خرید آگاه باشد.

او با ترکیب اطلاعات مربوط به این قیمت‌ها با دانش خود از کشاورزی می‌تواند نسبت به تولید تصمیم بگیرد. اگر تصمیم‌های اتخاذ شده منافع او را بیشتر می‌سازد تمام آن چیزی‌هایی را که بازار از او می‌خواهد انجام می‌دهد. به همین شکل، خواربارفروش، عمده فروش و ارسال‌کننده اطلاعات دقیق درباره فعالیت‌های خود را با هم در میان نمی‌گذارند بلکه فقط تصمیم می‌گیرند آیا در قیمت‌های رایج معامله کنند یا خیر. اگر تصمیم‌هایشان با توجه به نفع شخصی‌شان اتخاذ شده باشد آن‌ها نیز تمام آنچه را که نظام بازار از آن‌ها می‌خواهد انجام می‌دهند. من در انتهای زنجیره قرار دارم. کل کاری که من انجام می‌دهم این است که باید تصمیم بگیرم آیا مایلم بابت این نوع کلم خاص یک دلار بپردازم یا خیر. به ندرت حتی درباره اینکه چگونه کلم بروکلی به اینجا آمده است فکر می‌کنم برای اینکه اساساً همیشه در مغازه موجود است.

اما وقتی بازارها بد عمل می‌کنند، بازارهای رقابتی واقعاً می‌توانند وحشتناک باشند. مثلاً تصمیم‌های اقتصادی مبتنی بر منفعت شخصی به تعدادی از تراژدی‌ها زیست‌محیطی منجر شده است. در سال ۱۹۵۶ مشاهده شد که بسیاری از افرادی که در خلیج مینی اتا ژاپن زندگی می‌کنند از بیماری روانی حادی رنج می‌برند. در سال ۱۹۶۸ رسماً این بیماری را مسمومیت دانستند که علت آن خوردن ماهی‌هایی بود که در اثر ضایعات صنعتی آلوده شده بودند. دولت ژاپن شمار قربانیان را بیش از ۱۲۵۰۰ نفر اعلام کرد. در سال ۱۹۵۴ در ایالت نیویورک، جامعه Love Canal بر روی سایت مخروبه قبلی که حاوی ۲۰۰۰۰ تن ضایعات سمی بود ایجاد شد. کوهی از شواهد دال بر سقط جنین و زاد و ولد ناقص منجر به تخلیه ۲۳۹ خانه در سال ۱۹۷۸، و در سال ۱۹۸۰ شد و شواهد مربوط به صدمات کروموزومی در میان ساکنان منجر به تخلیه کل ساکنان آنجا شد. مورد Love Canal باعث شد که دولت آمریکا برنامه Superfund program را تدوین کند که در نتیجه صدها زباله‌دانی سمی متروکه شناسایی شد.^۱

در حالیکه چنین تجربه‌هایی به ما آموخته است که حیات پستی زباله‌دانی است اما در عرصه جهانی مایل نیستیم آن را به کار ببریم. پیشرفت در خصوص کنترل مواد شیمیایی از بین برنده اوزون

۱. باید تأکید شود که خاستگاه این تراژدی‌ها که در نظام بازار که در تعقیب منافع محدودی است که مشخص شده است. کشورهای که از بازار برای تخصیص منابع استفاده نمی‌کنند با مسائل محیطی مشابه، و غالباً بدتر مواجه‌اند. در آخرین نیمه این قرن، مثلاً، کشورهای کمونیستی اروپای شرقی آلودگی به مراتب بدتری را از اقتصادهای مبتنی بر بازار اروپای غربی تجربه کردند.

ارزش نظام بازار این است که غالباً می‌تواند باعث شود که منفعت فردی در خدمت اهداف جامعه قرار گیرد مشکلی اینجاست که همیشه نمی‌تواند چنین باشد.

و انتشار دی اکسید کربن عوامل اصلی گرمایش جهانی گند بوده و متوقف شده است. کندن درخت‌ها و جنگل‌زدایی بی‌وقفه ادامه می‌یابد و توانایی زمین را در کنار گذاشتن دی اکسید کربن از اتمسفر و بازگرداندن محتوی اکسیژن را کاهش می‌دهد. سازمان غذا و کشاورزی^۱ گزارش می‌دهد که، از هفتاد بندر ماهیگیری اصلی جهان نه بندر به شدت سقوط کرده‌اند و چهار بندر دیگر به لحاظ تجاری وضعشان تا به امروز وخیم شده است.

این نمونه‌ها فقط یکی از مسائلی را که نظام بازار با آن مواجه است (مخصوصاً، وجود پیامدهای خارجی) نشان می‌دهد و تعدادی مسائل دیگر نیز وجود دارد. ولی همین مسائل برای تدوین فروض زیر کافی هستند. درباره نظام بازار چیز علمی یا مقدس وجود ندارد. بازار یک ترتیب نهادی است که تداوم داشته است و طی چند صد سال گذشته دستخوش تغییر شده است چرا که به میزان زیادی در وضعیت رفاه اقتصادی ما نقش داشته است. ولی از بعضی جهات کامل نیست و از بعضی جهات رفاه ما با تنظیم آن یا حتی با کنار کشیدن از آن در کل افزایش می‌یابد.

هدف این کتاب توصیف شرایطی است که بازار خوب عمل می‌کند و شرایطی که در آن خوب عمل نمی‌کند. نقش دولت نیز در تصحیح نقائص نظام بازار بررسی می‌شود.

۱-۱ دو قضیه

هر اقتصادی باید سه مسئله را نشان دهد. کدام کالا باید تولید شود؟ چگونه باید تولید شود؟ چه کسی کالایی را که تولید شده به دست می‌آورد؟ یک راه‌حل این مسائل این است که افراد اجازه معامله در بازارهای رقابتی را داشته باشند. دو قضیه اساسی اقتصاد رفاه نشان می‌دهد که این راه‌حل به طور بالقوه راه‌حل خوبی است.

نخستین قضیه نشان می‌دهد که تحت شرایط کاملاً خاصی (که به طور مختصر به آن بازخواهیم گشت) راه‌حلی بهتر از راهی که به وسیله بازارهای رقابتی ایجاد می‌شود وجود ندارد. مخصوصاً هر راه‌حل بدیلی که وضع کسی را بهتر کند باید وضع فرد دیگر را نیز بدتر سازد. استدلال پشت این بحث ساده است. یک نظام مبتنی بر بازار انجام کلیه معاملاتی که سود متقابل دارند را تضمین می‌کند، به طوری که هر معامله باقیمانده - هر تعدیل در راه‌حل - فقط به هزینه دیگران به یکی فایده می‌رساند.

زمان و دو قضیه

اگر مدل‌های اقتصادی غالباً تصور می‌کنند که افراد در یک لحظه واحد دست به انتخاب می‌زنند، بسیاری از مسائل اقتصادی مهم به انتخاب در طی زمان مربوط می‌شود. الان باید کار را شروع کرد، یا سال بعد مدرسه رفت؟ الان باید خانه خرید یا منتظر دریافت یک فوق‌العاده بود؟ چه مقدار از درآمدها را باید برای بازنشستگی کنار بگذارید؟ بنابراین مهم است که بدانیم آیا دو قضیه اساسی در یک محیط داخلی همچنان صدق می‌کند. این کار با استثنایی انجام می‌شود. این دو قضیه برای اقتصادهای زیر صدق می‌کند:

(۱) اقتصاد شامل تعداد ثابتی از افراد است، که در دوره فعلی زنده هستند و تا دوره T زنده خواهند ماند (که ممکن است این T بی‌نهایت باشد) این افراد در هر دوره زندگی خود در بازارهای کالا دست به معامله می‌زنند.

(۲) اقتصاد به مدت T دوره دوام خواهد آورد که T مقدارش معین است. افرادی در دوره فعلی زنده هستند. در این دوره و در هر دوره آینده تعدادی به دنیا خواهند آمد و تعدادی خواهند مرد به طوری که هویت این افراد که در یک اقتصاد زندگی می‌کنند به طور دائم تغییر می‌کند. نرخ تولد و مرگ ضرورتاً برابر نیست، بنابراین جمعیت طی زمان می‌تواند تغییر کند. به این اقتصاد، اقتصاد نسل‌های متداخل با افق^۱ معین گفته می‌شود.

یک اقتصاد مبتنی بر نسل‌های متداخل با افق نامعین همان ساختار همتای خود را با افق معین دارد، جز اینکه هرگز تمام نمی‌شود (یعنی T نامحدود است) این دو قضیه در این اقتصاد شکست می‌خورند. بنابراین، قضایایی در یک اقتصاد هستند که افق نامحدود باشد، یا در اقتصادی که در آن نسل‌های متوالی تداخل دارند، اما در اقتصادی که هردو ویژگی را دارد صدق نمی‌کند.

اگر راه‌حلی این خاصیت را داشته باشد که هر راه‌حل دیگری فقط می‌تواند وضع فردی را به قیمت بدتر کردن دیگری بهتر کند، گفته می‌شود بهینه پارتو است. به همین دلیل راه‌حلی را که بهینه پارتو نباشد نمی‌خواهیم قبول کنیم. برای اینکه تنها فقط یک بدیل وجود خواهد داشت که بدون اینکه دیگری را متضرر سازد وضع یک فرد را خوب می‌کند و ما مطمئناً این بدیل را به راه‌حل اصلی ترجیح خواهیم داد. اگرچه مشاهده اینکه یک راه‌حل خاص بهینه پارتو است بدین معنی است که لازم نیست بدیل‌ها را مد نظر قرار دهیم.

راه‌حل‌های بهینه زیادی وجود دارد و طبق تعریف، حرکت از یکی به دیگری توزیع رفاه اقتصادی را تغییر می‌دهد. اگر A و B راه‌حل‌های بهینه پارتو باشند و یک حرکت از A به B مربوط به دزدی پیر برای

پرداخت به پاول باشد، در نتیجه حرکت از B به A به دزدی پاول برای پرداخت به پیتیر مربوط می‌شود. دیدگاه ما در مورد برابری یا انصاف می‌تواند باعث شود این یا آن راه‌حل را ترجیح دهیم.

۲-۱ شکست بازار

ویلم بویتر^۱ در نقد اقتصاد کلان اصطلاح «اقتصاد دکتر پانگلاس^۲» را ابداع کرد. دکتر پانگلاس شخصیت نمایشنامه کاندید^۳ ولتر^۴ بود، «در بهترین جهان ممکن همه چیز برای بهترین‌هاست». او که با مجموعه‌ای از بدبختی‌ها مواجه شده بود دائماً مجبور بود بین کنار گذاشتن این اعتقاد که در بهترین دنیای ممکن زندگی می‌کند و تن دادن به این دیدگاه که هر حادثه بدفرجامی به نحوی برای بهترین است دست به انتخاب بزند. دکتر پانگلاس انعطاف‌پذیر به اعتقاداتش وفادار ماند. استدلال بویتر این بود که چند اقتصاد کلان دان معاصر، که ماهیت اقتصادهای ما را آرمانی کرده‌اند، دائم با همان تردید و دوراهی مواجه بوده‌اند و به همان اندازه انعطاف‌پذیری به خرج داده‌اند.

اگر او این اصطلاح را جای دیگری به کار نبرده بود، می‌توانست آن را برای جهانی با دو قضیه اساسی استفاده کند. در ابتدا این قضایا فرض می‌کنند که ما در بهترین جهان ممکن زندگی می‌کنیم، و سپس نتیجه می‌گیرند که، در واقع، همه چیز برای بهترین است. فروض حاکم بر این بهترین جهان ممکن عبارتند از:

(۱) رفاه هر فرد به کالاهای که مصرف می‌کند، و سود هر بنگاه فقط به استفاده آن بنگاه از عوامل

تولید بستگی دارد

(۲) قوانین مالکیت مدون و قابل اجرا برای هر کالا وجود دارد

(۳) برای هر بازار کالایی وجود دارد

(۴) بنگاه‌ها به طور رقابتی عمل می‌کنند و بخصوص، اعتقاد دارند که اقداماتشان اثر قابل

توجهی بر قیمت‌های بازار ندارد

(۵) مشارکت در بازارها بی‌ارزش است

(۶) کلیه شرکت‌های بازار اطلاعات یکسانی درباره ماهیت کالاها و شرایطی که تحت آن معامله

می‌شوند دارند.

اگر یک یا چند فقره از این فروض برقرار نباشد، نظام بازار نتیجه کارایی ندارد (یعنی نخستین قضیه برقرار نیست). این نتایج ناکارا شکست‌های بازار^۵ نامیده می‌شود. انواع اصلی شکست بازار در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. Willem Buiter

2. The Economics of Dr Pangloss

3. Candide

4. Voltair

5. market failures